

# دفتر چه یادداشت



Photo © Kl. Fleischman, Rodenkirchen-Weiss, Fed. Rep. of Germany

## يك دختر برمه‌يي

نوشته خين ميوتان

آموزش و فرهنگ بسیار وقع می‌گذارد. در این کشور افراد مردم همچنانکه پدران و مادران و بزرگتران خود را گرامی می‌دارند، اشخاص باسواد و تحصیل کرده را هم محترم می‌شمرند. کلمه «داو» که معادل خانم است در این کشور به زن شوهردار و هم دختر جوان دارندهٔ دیپلم دانشگاهی یا شغل آزاد اطلاق می‌شود.

پیش از آنکه سرزمین برمه به تصرف انگلیسیان درآید، آموزش منحصرأ در دست راهبان بودایی بود ولی آنان به‌علل اخلاقی فقط تعلیم پسران را برعهده گرفتند. آموزش دختران در خانه و در میان خانواده تحقق می‌پذیرفت. ولی هرگز در این باره سهل‌انگاری نمی‌شد. سطح عالی سواد در برمه خواه در میان دختران یا در میان پسران برای انگلیسیان شکفت‌آور بود. در يك گزارش انگلیسی که از سال ۱۸۲۶ باقی‌مانده چنین نوشته شده‌است: «بیشتر زنان خواندن و نوشتن می‌دانند و باشور و حرارت بسیار زیاد از اخبار و سیاست روز اطلاعات بدست می‌آورند.»

در طول دوران استعمار، انگلیسیان تعدادی آموزشگاه غیرمذهبی برای مردم محلی تأسیس کردند و خانواده‌های برمه‌یی دختران کوچک خود را به این آموزشگاهها سپردند. پیش از دوران استعمار در برمه رسم بر این بود که پدران و مادران مبلغی پس‌انداز کنند تا برای

او برسر راه خود به‌عهده‌یی از راهبان بودایی که جامه‌های زعفرانی به تن و کاسه‌یی به کف دارند و با چهره‌یی آرام به‌سوی معبد باز می‌گردند، برمی‌خورد. خین خین‌آی وارد عبادتگاه می‌شود. او کفشهای راحتی کوچک خود را در آستانه معبد می‌گذارد و به‌نیایش می‌پردازد و نذر می‌کند. و امکان دارد، ورقه طلا روی مجسمه بودا، بچسباند.

اینها تصاویری از زندگی روزانه مردم در برمه است که از قرن‌ها پیش به‌همان صورت باقی مانده‌اند. زن برمه‌یی به‌آرایش خود بسیار اهمیت می‌نهد. او دوست دارد که جامه‌سنتی خود را بپوشد. ویژه گیهای زنانه در او بسیار است. می‌توان او را به‌شاخه‌کلی لطیف‌وشکونده تشبیه کرد.

موقع اجتماعی یا قانونی او هم طی قرون هرگز تغییر نکرده است. ممکن است گمان برند که او تحت تسلط مرد قرار دارد و همچون زنان بسیاری کشورها در بند سنتهای اجتماعی گرفتار است. اما نه، او هرگز چنین وضعی نداشته است.

به‌عنوان يك دختر خردسال او حق دارد که در بازیهای پسران همسال خود شرکت جوید ولی این کار مانع از آن نیست که او تاج گل بپايد. در حدود پنج یا شش‌سالگی او کم‌کم خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد. ملت برمه به

امروز بامداد، «خین‌خین‌آی» به آموزشگاه نمی‌رود زیرا تعطیل است. دختر جوان برمه‌یی خود را آماده می‌کند که از خانه خارج شود. او کیسوی خود را با گل‌های خوشبو می‌آراید و بر روی گونه‌هایش ماده‌رنگینی که از پوست بعضی درختان ساخته شده است، می‌مالد، يك «لونژی‌یی»، نوعی دامن تنگ و چسبان که تا قوزک پاهایش می‌رسد و نیز يك بلوز به‌نام «این ژیی‌یی» می‌پوشد و سپس مؤقرانه چتر آفتابی رنگارنگ خود را به‌دست می‌گیرد و به سوی بازار که پر از جنب و جوش و هیاهو و فضای آن آکنده از بوهای معطر است، می‌خرامد.

خین ميوتان  
«Khin Myo Than»

یکی از زنان حقوقدان برمه است. او فعلاً کمیته هماهنگی خدمات داوطلبانه، که يك سازمان بین‌المللی غیر دولتی است و مرکز آن در کاخ یونسکو در پاریس قرار دارد، همکاری می‌کند.





در برمه ازدواج مستلزم هیچگونه تشریفات مذهبی و غیرمذهبی نیست. دناومزدی که عکسشان را با لباس عروسی در سمت راست ملاحظه می کنید در خانه دختر جوان و در حضور پدر و مادر و دوستانشان باهم ازدواج کرده اند. در تصویر پایین سمت چپ عده ای از زنان برمه را می بینید که از روی پلی که از ساحل به قایق برقرار شده، می گذرند تا نان شیرینی و غذاهایی را که غالباً به وسیله شوهرانشان در خانه تهیه می شود، به مسافران بفرشند.

دختران خود جواهر بخرند ولی آنان به زودی دریافتند که سواد گوهری است که هیچکس قادر نیست آن را برآید. امروزه نظام آموزشی در برمه، پسران و دختران را یکسان در برمی گیرد.

نشانه پایان دوران کودکی برای دختر انجام مراسم «ناروین» یعنی نوعی مراسم مذهبی مربوط به گذر از یک مرحله سنی به مرحله دیگر است. هنگامی که دختر به دوازده یا سیزده سالگی می رسد، مراسمی برگزار می کنند و طی آن گوشه های دختر جوان را سوراخ می کنند. از این زمان او را جزو دخترانی می شمرند که به سن عقل و بلوغ رسیده اند. او از این پس، گوشواره می آویزد و در خانواده مسئولیتهای بیشتری را برعهده می گیرد. دیری نمی پاید که او اندیشه زناشویی را در سر می پرورد.

در همین دوران، پسر بچه های بودایی هم تشریفات خاصی برای خود دارند که شین - پیو نامیده می شود. طی این مراسم موی سر آنان را می تراشند و جامه زرد رنگی بر قامت آنان می پوشانند که، مانند راهبان بودایی، نشانه ای از چشم پوشی و وارستگی از علایق دنیوی است. آنان چندی محیط خانوادگی خود را ترک می کنند و در این مدت زندگی زاهدانه ای را می گذرانند.

یک جوان برمه ای تنها با حزم و از روی شرم و عفاف ممکن است احساسات و تمایلات قلبی خود را ابراز بدارد. ولی این بدان معنی نیست که یک دختر جوان برمه ای جلوی یک مرد سر خود را پایین می اندازد یا اینکه پشت درهای بسته خود را زندان می کند.

جوانان اعم از پسر و دختر فرصتهای زیادی دارند که یکدیگر را ملاقات کنند. آنان می توانند در آموزشگاه، در دانشگاه یا در محلهایی که برای نمایش به مدت سه شب تمام در هوای آزاد ترتیب می دهند و نیز در جشنها و حتی در معبد که در آن مردم حق دارند آزادانه با هم صحبت کنند، همدیگر را ببینند.

آنچه را می توان در روابط بین جوانان «متانت و ملاحظه کاری» نام نهاد جزئی از شیوه پسران و دختران را تشکیل می دهد. جوانان چون در دوران کودکی خود با زهد و پارسایی خومی گیرند، وارستگی از علایق دنیوی را از راهبان بودایی می آموزند. آنان برائت ممارست، با ریاضت و کف نفس مانوس می شوند و عادت می کنند تا بدیگران احترام گذارند.

معمولاً دختران، جهان هستی را مغتنم می شمردند و دلربایی و خودآرایی را دوست می دارند و شیفته لعل و گوهر هستند.

معبد از دوران کودکی مادران همیشه به آنان می آموزند که آداب اجتماعی را محترم شمارند و با مردان چگونه رفتار کنند. و در نتیجه دختران و پسران هرگز به عشقنازیهای موقتی نمی گرایند و فقط در جستجوی عشق حقیقی و زناشویی هستند. هنگامی که پسر

نسبت به یک دختر اظهار عشق می کند و سخنان لطیف و شعرهایی را در وصف او می آورد یا هدایای کوچکی به وی می دهد، در صورتیکه دختر از پسر بپرسد که آیا می خواهد با وی ازدواج کند این پرسش دختر برای پسر به هیچوجه شکست انگیز نیست. بی شک وقتی که دختر از یک پسر بدین سان تقاضای ازدواج می کند لابد قبلاً یقین می داند که پسر به وی جواب مثبت خواهد داد.

ممکن است پدر و مادر این آرزو را در دل بپرورانند که دخترشان با جوانی که آنان برگزیده اند ازدواج کند در این مورد نیز تصمیم نهایی به دختر مربوط است. زیرا سنت در برمه احساسات پسر و دختر را براراده پدر و مادر مقدم می شمرد. اگر پدر و مادر با ازدواجی مخالفت کنند دختر می تواند با پسری که دوستش دارد بگریزد و پیمان ازدواج ببندد زیرا با هم بسر بردن و با هم غذا خوردن خود به تنهایی علایق زناشویی را تحکیم می کنند.

چون پدر و مادر به اینگونه زناشویی یعنی اینکه پسر یا دختر با شخص مورد علاقه خود فرار کنند، علاقه مند نیستند، از این رو ترجیح می دهند که از دستوره های کتاب قانون باستانی برمه به نام «رامانات» پیروی کنند که می گوید:

«هنگامی که دختری مایل است با پسری ازدواج کند پدر و مادر وی برای اجتناب از بی آبرویی باید اجازه دهند که او بدین کار مبادرت جوید».

پسر و دختر جوان خواه با رضای پدر و مادر خود ازدواج کرده باشند یا بدون آن، دیگر به هیچیک از دو گروه خانوادگی نمی پیوندند. زناشویی هر دو را از تحت تسلط و قیمومت خانواده آزاد می سازد. آن دو خانواده های مربوط به یکدیگر را ترک می کنند و در خانه خاص خود به زندگی ادامه می دهند. کلمه برمه ای برای ازدواج یعنی کلمه این - دانگ - پیو به معنی «تاسیس یک کانون خانوادگی» است.

برخلاف آنچه در بسیاری تمدنهای دیگر وجود دارد، در برمه هدف اصلی زناشویی زاد و ولد نیست چون هیچ چیز در زمین پایدار نمی ماند خانواده بودایی هم در اندیشه آن نیست که جاویدان باقی بماند. مرد برمه ای از آن جهت با یک زن ازدواج می کند که زن در سراسر عمر وی در خوشبختی و ناخوشبختی و روزهای خوشبختی و بدبختی یار و همراه زندگی او باشد. هیچکس ناگزیر نیست که کاری کند تا نام خانواده اش جاودانگی یابد، زیرا که هیچگونه نام خانوادگی وجود ندارد.

نام یک امر شخصی است. پس از ازدواج

بقیه در صفحه ۳۳



Photo H. Antony. London © Holmes-Lebel



عدم شرکت یا شرکت جزئی زنان در زندگی اجتماعی با مشخصات زیستی و روانی آنان ارتباط ندارد بلکه به علل اجتماعی مربوط است که تا کنون برای شرکت زن در زندگی اجتماعی موانعی تولید کرده‌اند. عصبانی که اکنون جوانان و زنان سراسر جهان می‌کنند واکنشی است بر ضد این وضع تاریخی که جامعه مردان بالغ، آن را بوجود آورده است.

جوانان و زنان فعلاً مقامی را که در جامعه شایسته آنان است مطالبه می‌کنند. و این مبارزه بین نسلها یا مبارزه بین جنس زن و جنس مرد نیست و حتی، همچنانکه «کنراد لورنتز» ادعا می‌کند، نباید آن را قصد تعرض آمیز و تجاوز-کارانه‌یی بر ضد بزرگسالان شمرد، بلکه این فقط مطالبه قانونی توده عظیمی از مردم است که از حقوق و مسئولیت‌های خود محروم مانده‌اند. آنچه وضع را مبهم‌تر می‌سازد آنست که ما امروزه شاهد شبه آزادی زن هستیم. درست

است که برخی جنبه‌های سطحی اسطوره جنس مرد و جنس زن از میان رفته‌اند ولی آزادی واقعی هنوز بدست نیامده است.

با این وضع و تا زمانی که زادی واقعی مرد یعنی آزادی آن قسمت از نوع بشر که اکنون محجور و محروم است از حقوق خود زندگی می‌کنند بدست نیامده است آزادی واقعی زن ممکن نیست وجود داشته باشد.

زنان تنها با این عمل که خانه پدری را ترک می‌کنند و به خانه شوهر بروند یا اینکه در یک اداره و یک کارخانه کار می‌کنند و پس از فراغت از کار و بازگشت به منزل کارهای عادی و روزانه خانه را از سر می‌گیرند نمی‌توانند آزادی خود را بدست آورند.

پاسخ «هریت مارکوز» فیلسوف معروف آمریکائی به پرسشهایی که در این مورد از وی بعمل آمده چنین است: «اگر عقیده بر این باشد که زنان به هر حال باید از خانه‌هایشان

بیرون بروند و کاری بدست آورند من از خود می‌پرسم که آیا انسان حق دارد اینرا آزادی بنامد. آنچه بدین سان بدست می‌آید هزاران منشی تازه است که موظف هستند روزانه متجاوز از هشت ساعت در اداره‌یی بنشینند و کارهای احقانه‌یی را که روسای احق راجع به موضوع-های احقانه بدانان دیکته می‌کنند بنویسند یا باید هر روز هشت ساعت ایستاده به کار یک نواخت و مداومی بپردازند. این آزادی نیست، تنها در یک جامعه آزاد ممکن است که زنان آزاد وجود داشته باشند. ولی برای این کار باید مردان آزادی هم وجود داشته باشند، زنان و مردان مسائل اجتماعی واحدی دارند. بنابراین آزادی هر دو جنس از وابستگی، از کامیابی-های اسطوره‌یی و از محرومیت حقوقی باید مسئله مشترکی باشد که آن دو متفقاً باید آن را حل کنند.

■ هرآنسان مسارتن

## دفترخه یادداشت يك دختر برمه‌یی (بقیه از صفحه ۲۷)

زن نام خود را حفظ می‌کند بی‌آنکه نام شوهر خود را جانشین آن سازد یا بدان ببیند. کودکان هم دارای نامهایی هستند که با اسامی پدران و مادران شان هیچگونه ارتباطی ندارند. در حالی که در جوامع غربی زن باردار همسرش به کتاب مراجعه می‌کند تا نام یکی از قدیسیان را برگزیند و آن را پس از وضع حمل زن به عنوان نام تعمیدی به نوزاد بدهند در برمه نام را بسیار دیر انتخاب می‌کنند.

پدران و مادران ابتدا درباره طبیعت و خوی و خصلت کودکان شان مطالعه دقیق می‌کنند و سپس با توجه به همین ملاحظات و نیز ملاحظات نجومی بر حسب روز و ساعت تولد بدانان نام می‌دهند.

نام يك امر کلی است و از يك نام اصلی و يك نام خانوادگی تشکیل نشده است. معمولاً هر نامی معنایی دارد. اسامی عموماً ولی نه همیشه تملق آمیزند. مثلاً دختران کوچکی در دنیا هستند که «وت - ماه یعنی خوک کوچک نام دارند. پس از اینکه این دختران بزرگ شدند، هر کدام از ایشان اگر اسم خود را نپسندند یا اینکه نام را با شخصیت خود متناسب ندانند، می‌توانند آن را تغییر دهد. پسران هم البته می‌توانند چنین کنند. در شهرها کافی است که شخص تغییر نام خود را در روزنامه‌ها اعلام کند.

چون زناشویی هیچگونه مفهوم روحانی ندارد، پس برای آن تشریفات مذهبی و رسمی لازم نیست و ضرورتی ندارد که دختر کلمه «دبلی» را در برابر راهب یا شهردار بزبان آورد. تشریفات در حضور افراد خانواده و دوستان که همگی شاهد ازدواج پسر و دختر هستند انجام می‌گیرد.

کارها به طرز بسیار ساده جریان می‌یابد: پسر و دختر دستهای راست خود را بربیک بالمش روی هم قرار می‌دهند و در کاسه نقره‌یی غذا می‌خورند و آنگاه ازدواج آن دو رسمیت می‌یابد. پس از ازدواج هیچیک از آن دو انگشتری یا حلقه عروسی در انگشت خود نمی‌کنند. هیچ گونه علامت خارجی وجود ندارد که نشان دهد آیا کسی ازدواج کرده یا نکرده است. نشانه وصلت پسر و دختر همان کاسه نقره‌یی است که زن و شوهر آن را با دقت بسیار نگاه می‌دارند. در برمه قوانین مربوط به زناشویی از قرن‌ها پیش بر قوانین زناشویی بیشتر کشورهای غربی برتری داشته‌اند.

حقوق و مسئولیت‌های زن و شوهر در اینجا

برابر و متقابل هستند. تا زمانی که زندگی زناشویی آن دو ادامه دارد همه اموال يك کل تقسیم ناپذیری را تشکیل می‌دهند. هیچگونه قرارداد زناشویی وجود ندارد و نظام مالکیت مشترک تنها نظامی است که وجود دارد. زندگی زناشویی با توافق دو طرف حفظ می‌شود.

در برمه جدایی زن و شوهر با رضای طرفین امکان‌پذیر است و حال آنکه در فرانسه تا به حال، حتی اگر زن و شوهر بر سر جدایی توافق می‌کردند، می‌بایست یکی از آن دو خطا-های دیگری را ثابت کند. در صورتیکه زن و شوهر با توافق یکدیگر از هم جدا شوند يك از آن دو می‌تواند آنچه را که پیش از ازدواج به وی تعلق داشته، تصرف کند. دارایی و اموالی که در طول مدت زندگی زناشویی بدست آمده است ملك مشترك بحساب می‌آیند و بین زن و شوهر به طور مساوی تقسیم می‌شوند. جدایی زن و شوهر در برمه اگر چه کار آسانی است ولی بسیار به ندرت صورت می‌گیرد.

اندیشه‌های مربوط به مساوات و برابری که در عرف بوداییان برمه منعکس شده، چنان نیرو و اعتباری دارند که می‌توانند مورد توجه غیر بوداییان هم قرار گیرند. نمونه‌یی که می‌توان برای آن ذکر کرد میثاق مسلمانان برمه درباره فرسخ پیوند زناشویی است. این میثاق که کنگره مسلمانان برمه بدون اشکال خاصی آن را تصویب کرده، در مارس ۱۹۵۳ اعتبار قانونی پیدا کرد. این قانون برای زنان مسلمانان برمه همان حقوقی را قایل است که برای زنان بودایی برمه، یعنی حق استفاده از امکانات برابر برای جدایی از شوهر به هنگام طلاق و حق استرداد سهمی که از دارایی و اموال آنان تعلق می‌گیرد.

این اقدام در کشورهای دیگر مسلمان موجب اعتراض برانگیخت زیرا در این کشورها زن در مقابل تقسیم مستبدانه و یکجانبه‌شوهری که می‌خواهد با دلیل یا بدون دلیل از همسر خود جدا شود هیچگونه چاره‌یی ندارد. اکنون زنان مسلمان در برمه دارای موقع یکسانی با خواهران برهمنی خود هستند و مانند آنان بی حجابند.

در برمه روابط بین مرد و زن بر پایه برابری استوار است. در فرانسه مثلاً گاه اتفاق می‌افتد که يك آقا از روی خودنمایی جای خود را به يك خانم بدهد یا اینکه در راه خود را کنار بکشد تا خانم عبور کند. این گونه خوش‌خدمتیا در مردان برمه دیده نمی‌شود و زنان برمه از این نوع مهربانیا و احترامات برخوردار نیستند.

در حقیقت قوانین حق تقدم در برمه مبتنی بر سن افراد است نه جنس آنان. مردم برمه بزرگتران خود را بی‌اندازه محترم می‌شمردند. در این کشور يك زن جوان جای خود را به يك مرد پیر می‌دهد. شوهر فرانسوی، به قول معروف، هنگامی که از سر کار به خانه باز می‌گردد میل دارد کفشهای راحتی خود را بپوشد، تلویزیون تماشا کند و روزنامه‌اش را بخواند و حال آنکه همسر وی، حتی اگر سراسر روز را هم در بیرون از خانه کار کرده باشد به بچه‌هایش می‌پردازد، شام را آماده می‌کند، سفره را می‌گسرد و غذایی را که تهیه کرده در آن می‌گذارد و ظرفها را می‌شوید و غیره. اگر چه مردان برمه به عقیده مردم غرب در انظار عموم بسیار مبادی آداب به نظر نمی‌آیند ولی برای شرکت در اداره امور خانوادگی لمحهی درنگ را جایز نمی‌شمردند. برای يك مرد برمه‌یی آشپزی و شستن ظروف تنگ نیست. در میان خانواده‌های برمه‌یی بسیار دیده شده است که مرد برای فرزندش لالایی می‌خواند و لسی همسرش نشسته و روزنامه مطالعه می‌کند.

در عین حال که مرد برمه‌یی بطور طبیعی در انجام امور خانه مشارکت می‌کند، مسئولیت خانه به عهده زن است. در برمه حساب دخل و خرج خانواده عموماً در دست زنان است. بنابراین سنت داد و ستد نیز در دست زنان است. زنان در بازار در حالیکه سبک‌بار درشت برمه‌یی برلب دارند یاسق مخصوص می‌چوند کالاهایشان را به معرض فروش می‌گذارند یا در دکه‌هایی که برای خود ساخته‌اند مواد خوراکی به رهگذران می‌فروشند که احتمالاً توسط شوهرانشان و در مدتی که آنان لباس می‌پوشند قابه بازار بروند، تهیه می‌شوند.

دختران جوان بسیار دوست می‌دارند که مغازه کوچکی داشته باشند. زیرا با داشتن مغازه آنان فرصت می‌یابند تا عده‌یی از جوانان و شاید هم شوهر آینده خود را ملاقات کنند. بهر حال زنان برمه‌یی ام از متأهل و غیر متأهل بسیار خوش محضر و اهل معاشرت هستند و معروف است که در تجارت شم بسیار قوی دارند.

بنابراین در برمه زن و مرد با هم زحمت می‌کنند و کار یکی کار دیگری را تکمیل می‌کند. امروزه صنعتی شدن کشور انواع تازه‌یی از کارها را بوجود آورده است و زنان خود را به سرعت با آن نوع کارها منطبق ساخته‌اند. در این کشور زنان هم با مردان راه کارگاهها و کارخانه‌ها و اداره‌ها را در پیش گرفته‌اند. آنان مراحل عالی تحصیلی را طی کرده

در شماره خردادماه ۱۳۵۳ مجله پیام یونسکو، جولین ال. سیمون راجع به مسئله رشد جمعیت و تقسیم ضرورت‌های زندگی بین همه مردم بحث و گفتگو کرده و خاطرنشان ساخته است که «کودکان مصرف کننده هستند ولی تولید کننده نیستند» و «آنان دست کم تا قبل از بیست سالگی روی محصول ملی فاخری تأثیری نمی‌گذارند» و بنابراین بسیاری از مردم می‌ترسند که اگر تعداد جمعیت اکنون افزایش یابد منابع طبیعی کمتری برای جمعیت‌های آینده باقی بماند».

از طرف دیگر شماره آبان‌ماه ۱۳۵۲ مجله پیام این حقیقت را که اکنون بیش از چهل میلیون کودک کمتر از چهارده سال در سراسر جهان کار می‌کنند، به حق آنرا محکوم کرده است.

بنابراین از يك طرف گفته شده است که کودکان تولید کننده نیستند (و فقط مصرف کننده هستند) و از طرف دیگر گفته شده است که آنان کار می‌کنند ولی فقط به‌زیان تندرستی و رشد خودشان کار می‌کنند.

من می‌خواهم راه‌حلی را یادآوری کنم که با هیچیک از دو طرف قضیه ارتباطی ندارد. این راه‌حل که در برهمن بزرگ (رابرت اوون در قرن نوزدهم میلادی و آنتون اس. ماکارنکو در حدود چهل سال پیش) آن را پیشنهاد کرده‌اند در عمل مورد تأیید قرار گرفته است. این راه‌حل عبارت از اینست که از سه‌سالگی باید کار کردن کودک با تحصیل دانش و پرورش فکری توأم گردد. تولید ماشینی يك برخلاف کارهای دستی تولید ماشینی به صرف نیروی جسمی زیاد ندارند. تولید ماشینی همچنین سبب شده است که انسان بر حسب نیاز، تحصیل را با کار توأم سازد زیرا تولید مکانیکی مبتنی بر کاربرد اطلاعات علمی است و انسان وقتی دانش نظری را در عمل بکار برد می‌تواند آن دانش را بهتر فرا گیرد و بر آن تسلط داشته باشد.

به هنگام تجربه آ. س. ماکارنکو پانصد نفر کودک نه تا هجده ساله نیازمندیهای خاص خود و آموزشگاه و کارخانه را تنها به وسیله کاری که خودشان انجام می‌دادند بر طرف می‌ساختند، آنان برای رفتن به تاتر سالانه ۵۰۰۰۰۰ روبل و برای مسافرت‌ها و گردشهای دسته جمعی ۲۰۰۰۰۰ روبل خرج می‌کردند و هر سال هم پنج میلیون روبل سود خالص به دولت می‌پرداختند. به عبارت دیگر هر کودک ماهانه سودی معادل ۸۳۳ روبل (به مظنه رسمی روبل در سالهای ۱۹۳۰) تولید می‌کرد. کودکان هر روز چهار ساعت کار

می‌کردند و همه‌شان آموزشی در سطح متوسطه می‌دیدند. آنان حرفه‌ای فرا می‌گرفتند و مهتر اینک کودکان ییتیم و نیز کودکان بی‌صاحب و سرراهی به‌صورت اعضای رسمی و شایسته جامعه در می‌آمدند.

در چهار چوب تولید ماشینی، کار توأم با تحصیل در مورد کسب مهارت کارکنان، بالا رفتن میزان تولید و توسعه صنعت و تکنولوژی نتایج مثبتی بیار می‌آورد. کار توأم با تحصیل برای سلامت و رشد جسمی کودکان و نوجوانان هم سودمند است زیرا در این صورت زمان کار آنان محدود است (از يك تا سه ساعت بر حسب سن) و کارهای خسته کننده و کارهای شبانه بدانان محول نمی‌شود.

نکته مهم اینک کار کودکان با پرورش فکری و رشد جسمانی آنان رابطه نزدیک دارد و این وضع سبب می‌شود که مسئله جرم و خطای جوانان از میان برود.

در صورتیکه جامعه‌ها روزی مسئله توأم کردن کار با تحصیلات را حل کنند در این صورت کودکان و نوجوانان نقش کاملاً متفاوتی را در زمینه رشد جمعیت ایفاء خواهند کرد. به هنگام بحث و گفتگو در باره مسائل جمعیت آیا نباید این عامل مهم را مورد توجه قرار داد؟

۱- ای. نوویکو و آموزگار، پرم، اتحاد جماهیر شوروی

## در مورد اسکیموها، یکی

### از مسائل بزرگت زمان ما:

شماره دی ۱۳۵۳ مجله پیام یونسکو درباره «اسکیموها، ملتی که نمی‌خواهد از میان برود» شماره بسیار جالبی بود. من توانستم به چگونگی این ملت، به آداب و رسوم و فرهنگ آن بی‌بروم و مخصوصاً درباره برخورد غالباً شدیدی که بین این تمدن هزارساله و تمدن جدید وجود دارد، اطلاعاتی بدست آورم.

در این مورد نامه «دان جرج» بسیار قانع انگیز است، هر وقت که ملتی به تسلط بیگانه گردن نهاده آن ملت اندک اندک راه انحطاط اخلاقی پیموده و شیرازه امور آن از هم گسسته است. به همین جهت است که خودمختاری ملتها باید به‌صورت يك قانون جهانی درآید. متأسفانه هنوز ملت‌های زیادی هستند که از سرنوشت دیگران آگاهی ندارند. این شماره راه را به سوی اندیشه عمیق‌تری درباره این مسئله حاد زمان ما می‌گشاید. من آرزو می‌کنم که شما در شماره‌های آینده درباره این موضوع به بحث و گفتگوی بیشتری بپردازید.

فرید یونسی، ویلوربان، فرانسه

## برای يك هماهنگی جهانی:

من به‌مجله شما علاقه بسیار دارم و می‌خواهم اهمیت شماره بهمن‌ماه ۱۳۵۱ مجله پیام را که تحت عنوان «برای اینکه کره زمین همچنان باقی بماند» چاپ شده و به حفاظت محیط‌زیست اختصاص دارد خاطرنشان سازم. من متقدم که مجله پیام باید در مورد این مسایل همیشه بحث و گفتگو کند تا همه مردم به این نکته پی‌برند که انسان و طبیعت از هم جدایی‌ناپذیرند. شما تا آنجا که ممکن است باید اهمیت زیادی را که حفظ محیط‌زیست در بردارد، و نیز شادی و خوشحالی هماهنگ زیستن با طبیعت را به‌سلسله‌های کنونی نشان دهید.

توفیق صرافوف  
باکو، آذربایجان اتحاد جماهیر شوروی

## پروضد تبعیض نژادی:

بیشتر از ده سال است که من با مجله شما آشنایی دارم و هر ماه این مجله راجع به موضوعی که بسیار شورانگیز و جالب است و برداشتی و اطلاعات آدمی می‌افزاید بحث و گفتگو می‌کنم.

معمداً من تصور می‌کنم که شماره آبان‌ماه ۱۳۵۳ مجله که به‌لئونارد داوینچی اختصاص داشت فاقد صفحه رنگینی بوده است. و حال آنکه به‌نظر من در شماره مرداد و شهریور (سال جهانی جمعیت) که در آن دو رنگ با عکسهای مختلف شطرنجی کفایت می‌کرد، صفحه رنگین لازم نبود.

و نیز می‌خواهم از شما تقاضا کنم که راجع به مسئله دیگری که موضوع روز شمار می‌رود و من بدان علاقه‌مندم یعنی راجع به تبعیض نژادی هم بحث و گفتگو کنید. کارگران بویژه آنان که از نژاد عرب هستند نتایج ناگوار و ناخوشایند آنرا اکنون در فرانسه تحمل می‌کنند، به‌حدی که یکی از اعضای دولت در تلویزیون گفته است که يك مبارزه تبلیغاتی آغاز خواهد شد و هدف آن این خواهد بود که مردم را راجع به این مسئله آگاه سازد و ذهن آنان را در این مورد روشن کند تا از توطئه‌های گروه‌های طرفدار تبعیض نژادی جلوگیری بعمل آورند.

ماکسی بولت  
پاریس، فرانسه

و به‌سمت استادی دانشگاه، پزشکی، مهندسی، و کالت دادگستری و قضاوت منصوب شده‌اند و حتی در ارتش جزو گروه چتربازان درآمده‌اند. ظاهراً چتربازان برمه‌یی از بهترین چتربازان کشورهای آسیای جنوب شرقی هستند. در عوض بسیاری از مردان به‌کار تندنویسی و ماشینی‌نویسی اشتغال دارند.

دیگر در صفحات آگهی جرایدهم ستونی که مخصوص «شغل‌های زنانه» باشد وجود ندارد. سنت‌های طرفدار مساوات به‌زنان این امکان را می‌دهد که در همه سطوح به‌کار دست‌رسی داشته باشند. اکنون زنان در همه مؤسسات، می‌توانند راه‌یابند.

جامعه برمه اکنون به‌آسانی می‌پذیرد که

بسیاری در آن کشور به‌نماینده‌گی مجلس و وزارت برگزیده شده‌اند. زنان برمه همچنین انتخاب‌کنندگان آگاه و با وجدانی هستند. در انتخابات سال ۱۹۶۰ هشتاد درصد زنان در این کشور رأی داده‌اند.

با این احوال جای شگفتی نیست که در برمه هیچگونه نهضتی برای آزادی زنان وجود ندارد. زنان برمه از آن سودی نمی‌برند زیرا جامعه‌یی که آنان در آن بسر می‌برند، نشان داده است که همیشه و به‌تمام معنی «جامعه برابر» است.

■ خین میوتان

زنان در زمینه‌های مختلف، مقام‌های عالی‌را احراز کنند و حتی به‌برخی از شغل‌هایی که در طول دوران استعمار کاملاً اختصاص به‌مردان داشت برگزیده شوند. تحول جامعه همچنانکه دیده می‌شود، دامنه مسئولیت‌های زنان را گسترش داده است. مسئولیتی که تا يك دوره معین تنها در سطح خانواده و دادوستد محدود، خود را نمایان می‌ساخت.

و اما راجع به سیاست باید گفت که زنان برمه از همان زمان‌های بسیار قدیم که در آن می‌توانستند ملکه یا «میوتوژی‌آیس» یعنی رئیس موروثی گروهی از روستاها باشند تاکنون همیشه بدان علاقه‌مند بوده‌اند.

از آغاز استقلال برمه تا به‌حال زنان